



جمعیت و نیروی انسانی ایران

جمعیت و خانوار

بر اساس نتایج مقدماتی طرح آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰، جمعیت کشور در این سال به بیش از ۵۸ میلیون نفر رسیده است. از این جمعیت بیش از ۳۳ میلیون نفر در مناطق شهری و در حدود ۲۵ میلیون نفر در مناطق روستایی سکونت داشته و یا غیرساکن بوده اند. با توجه به جمعیت کشور که در سال ۱۳۶۵ بیش از ۴۹ میلیون نفر بوده است، طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰، جمعیت کشور سالانه به طور متوسط ۳٫۲۸ درصد افزایش یافته است. نظر به اینکه در این مدت مهاجرت قابل ملاحظه‌ای به داخل یا خارج از کشور وجود نداشته، می‌توان رشد طبیعی جمعیت را نیز در همین حدود فرض کرد. به این ترتیب رشد طبیعی جمعیت کشور با آنچه که در هنگام تدوین برنامه اول کشور بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ برآورد شده بود (۳٫۲ درصد در سال) تفاوت قابل ملاحظه‌ای نکرده است.

بر اساس یافته‌های مقدماتی طرح آمارگیری جاری جمعیت کشور، متوسط تعداد افراد در خانوار طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ از ۵٫۱۱ به ۵٫۲۰ رسیده است.

طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰، از نظر تعداد مطلق جمعیت، بیشترین افزایش مربوط به استان تهران است که جمعیت آن از ۸٫۷ میلیون نفر به ۱۰٫۳ میلیون نفر رسیده است. ولی از نظر آهنگ رشد جمعیت سالانه جمعیت، بالاترین میزان، مربوط به استان سیستان و بلوچستان است که جمعیت آن طی سالهای مزبور به طور متوسط ۴٫۷۱ درصد افزایش یافته است. در این مدت، استان گیلان در بین سایر استانهای کشور پایین‌ترین میزان رشد جمعیت را داشته است. جمعیت این استان طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ سالانه به طور متوسط فقط ۲٫۰۴ درصد افزایش یافته است.

نتایج مقدماتی

طرح

آمارگیری جاری

جمعیت سال

۱۳۷۰

شهرنشینی

طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰، میزان شهرنشینی از ۵۴٫۳ درصد به ۵۷٫۰ رسیده است. بر اساس نتایج مقدماتی طرح آمارگیری جاری جمعیت طی سالهای مذکور رشد سالانه جمعیت در مناطق شهری کشور تقریباً دو برابر مناطق روستایی بوده است (۴٫۳۰ درصد در مقابل ۲٫۰۲ درصد).

محدوده شهرهای این استان توجه داشت که علی‌رغم آنکه سیمای کاملاً شهری دارند از شمول تعریف شهر خارج هستند و جمعیت آنها جزو جمعیت روستایی استان به شمار می‌آید.

در بین استانهای کشور، کمترین میزان شهرنشینی مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد است. (۳۰ درصد). البته حتی در این استان نیز میزان شهرنشینی روند صعودی دارد، چرا که در سال ۱۳۶۵ میزان شهرنشینی در این استان ۲۷ درصد بوده است.

بالاترین میزان شهرنشینی مربوط به استان تهران با ۷۸٫۰ درصد است. علاوه بر آن باید به پیدایش شهرکهایی با جمعیت‌های نسبتاً بالا در خارج از

اسماعیل فیض‌اربابی

توزیع جمعیت در سرزمین

یا حداقل بخشی از این مناطق (شهرها) تقریباً شروع شده است. به عنوان مثال می توان از خوزستان نام برد که رشد جمعیت در مناطق شهری آن به ۶۲۰ درصد در سال رسیده است یا کردستان که جمعیت مناطق شهری آن طی سالهای

هر چند حرکت جمعیت به استان تهران و به ویژه حاشیه شهرهای بزرگ این استان، همچنان ادامه دارد ولی در عین حال توزیع جمعیت در کشور به تدریج به شکل گذشته خود نزدیک می شود و می توان گفت که بازگشت جمعیت به مناطق جنگلی

سواد

میزان باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ (درصد)

شرح	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۰
کل کشور	۶۱٫۸	۷۴٫۳
مناطق شهری	۷۳٫۱	۸۲٫۵
مناطق روستایی و غیر ساکن	۴۸٫۴	۶۳٫۱

براساس یافته های مقدماتی آمارگیری جاری جمعیت، میزان باسوادی در جمعیت شش ساله و در کل کشور، به ۷۴٫۳ درصد رسیده است. به عبارت دیگر در بین افراد ۶ ساله و بیشتر کشور، به طور متوسط از هر ۴ نفر ۳ نفر باسواد بوده اند. این میزان در مناطق شهری، ۸۲٫۵ درصد و در مناطق روستایی (شامل جمعیت غیر ساکن) ۶۳٫۱ درصد بوده است. هر چند میزان باسوادی در مناطق شهری رقم نسبتاً مناسبی است و از هر ۵ نفر جمعیت ۶ ساله و بیشتر ساکن در نقاط شهری کشور حداقل ۴ نفر باسوادند ولی در عین حال این میزان در

شهرهای مختلف یکسان نیست و در پاره ای از شهرها به بالای ۹۰ درصد هم می رسد و در بسیاری از مناطق ۲۰ گانه شهر تهران بالای ۹۵ درصد است و در پایین ترین حد خود که مربوط به استان سیستان و بلوچستان است از ۵۰ درصد تجاوز می کند.

اشتغال و بیکاری

میزان اشتغال و بیکاری در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر فعال در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ (درصد)

شرح	میزان اشتغال		میزان بیکاری	
	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۰	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۰
کل کشور	۸۵٫۸	۸۸٫۶	۱۴٫۲	۱۱٫۴
مناطق شهری	۸۴٫۷	۸۹٫۵	۱۵٫۳	۱۰٫۵
مناطق روستایی و غیر ساکن	۸۷٫۱	۸۷٫۴	۱۲٫۹	۱۲٫۶

براساس نتایج مقدماتی طرح آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰، از ۵۸٫۱ میلیون نفر جمعیت کشور، یک چهارم یا به صورت دقیقتر ۲۵٫۲ درصد از نظر اقتصادی فعال بوده اند. (۲۲٫۳ درصد شاغل و ۲٫۹ درصد بیکار جویای کار). این ارقام نشان می دهند که در جامعه ما ۲۲ نفر کار می کنند تا زندگی خود و ۸۸ نفر دیگر (جمعاً ۱۱۰ نفر) را تأمین کنند و تازه اگر کلیه جویندگان کار نیز بتوانند کاری دست و پا کنند. این رقم به ۲۵ خواهد رسید و به عبارت دیگر در بهترین شرایط، از هر ۱۰۰ نفر ۲۵ نفر به فعالیت اقتصادی اشتغال خواهند داشت و باید هزینه زندگی ۱۰۰ نفر را تأمین کنند (بارتکفل). البته این پدیده تنها معلول سیمای اقتصادی کشور نیست و از ترکیب سنی - جنسی جمعیت نیز تأثیر می پذیرد و جوان

بودن جمعیت می تواند از جمله علل عمده آن باشد. از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر فعال کشور، ۸۸٫۶ درصد را شاغلین تشکیل می دهند و ۱۱٫۴ درصد بقیه کسانی هستند که به جستجوی کار برآمده ولی در زمان آمارگیر هنوز بیکار بوده اند. به این ترتیب می توان گفت که اقتصاد کشور توانسته است در مقابل هر ۱۰۰ نفر متقاضی کار، به طور متوسط به ۸۹ نفر پاسخ مثبت دهد. مرکز آمار ایران که اجرای طرح آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ را به عهده داشته، مژده داده که به زودی نتایج تفصیلی این آمارگیری در قالب جداول و مطابق طرح انتشاراتی مربوطه به زودی انتشار و در اختیار علاقمندان قرار خواهند گرفت.